

مدرسه علمیه بقیه الله (عج) درس خارج

عنوان

بررسی ادله حجیت خبر واحد در موضوعات

محقق

محمد حیدری

سال ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چکیده

یکی از قواعد فقهیه که بسیار مورد توجه و دقت نظر فقها قرار گرفته است حیت خبر واحد در موضوعات است. همانطور که مشخص شدن حکم شرعی توسط یک خبر واحد برای مکلفین صورت می گیرد و شارع مقدس از باب مصلحت تسهیل در باب احکام خبر واحد را حجت نموده است این بحث پیش می آید که آیا در موضوعات هم می توان همچین حکمی را برای خبر واحد اثبات کرد و این مصلحت تسهیل در موضوعات برای مکلفین وجود دارد یا نه؟ با اثبات این قاعده راه ساده تری در موضوعات و از طرف شارع بیان شده است و آن حجیت خبر واحد در موضوعات است. در این راستا با بررسی کردن ادله مختلف و رد و اثبات آن ها این قاعده ثابت شده برای نمونه بعضی از فقها با تمسک به آیات قرآنی مانند مفهوم وصف در آیه نبا و حتی شان نزول آن استدلال بر قاعده کرده اند که مواجه شدند با عدم حجیت مفهوم وصف و عدم اثبات ارتداد با خبر واحد و اثبات آن با بینه و استدلال دیگر به دو دسته روایت است که دسته اول موافق با قاعده هستند و به دلیل استفاضه و صحت سند و دلالت برخی از آن ها قاعده را ثابت کردند و دسته دوم روایات مخالف که با ضعف سند و عدم دلالت در برخی از آن ها و اختصاصشان به موارد و ابواب خاص فقه نتوانستند قدحی بر قاعده وارد کنند و در نهایت استدلال به سیره عقلا و علما حجیت خبر واحد در موضوعات به اثبات رسید.

**کلید واژه: خبر واحد، حجیت، موضوع، خبر ثقه، خبر عدل**

## مقدمه

بحث از حجیت خبر واحد یکی از مباحث مهم در علم اصول و تاثیر گزار در علم فقه است و راهی برای رساندن مکلفین به احکام شرعی در قسمت احکام و تبیین وضعیت موضوع در قسمت موضوعات است شارع مقدس با توجه به مصلحت تسهیل برای مکلفین در احکام شرعی خبر واحد را به عنوان حاکی از قول معصوم حجت کرده زیرا در احکام شرعی که به دست ما رسیده شده مقدار زیادی از آن ها از طریق خبر واحد است و اگر قائل به عدم حجیت آن در احکام شویم ناگزیر باید قائل به انسداد باب علم و علمی شویم که به غیر از میرزای قمی کسی از علمای شیعه قائل به انسداد نشده است و حجیت خبر واحد نقش موثری در فضای انفتاح باب علم ایفا می کند و راه را برای رسیدن به احکام تسهیل کرده است حال بحث کردن از حجیت خبر واحد در قسمت موضوعات و اثبات حجیت آن و تبیین وجود این مصلحت تسهیل در موضوعات این مطلب را به اثبات می رساند که شارع در تبیین وضعیت موضوع برای مکلفین هم مصلحت تسهیل را در نظر گرفته است که در این راستا با استفاده کردن از منابع معتبر در علم اصول و فقه و منابع رجالی جهت تصحیح اسناد روایت و سیره عقلا و علما و متشرعه به این بحث پرداخته می شود

## مفهوم شناسی

### حجیت

(صحّت استناد و احتجاج به یک دلیل حجیت، به معنای صحت استناد به ادله معتبر شرعی (قطع، اماره و اصل عملی) و درستی عمل برطبق آنها است. در عرف هر چیزی که قابلیت داشته باشد به وسیله آن بر دیگران احتجاج شود، دارای حجیت است، چه مولا با آن، بر بنده خود احتجاج کند و چه به عکس.

لازمه حجیت یک دلیل، منجزیت و معذرت آن است؛ یعنی در جایی که دلیل، به واقع اصابت کند، تکلیف بر مکلف منجز شده و مخالفت با آن، مستوجب عقوبت است؛ اما در جایی که حجت، به واقع اصابت نکند، تمسک به حجیت برای مکلف، عذر محسوب شده و او را از عقاب می‌رهاند.<sup>۱</sup>

### نکته:

مشهور اصولیون، حجیت قطع را ذاتی آن دانسته، اما حجیت سایر امارات معتبر را تبعیدی می‌دانند؛ یعنی شارع از روی تعبد، حکم به حجت بودن آنها داده است، زیرا آنها تمام واقع را نشان نمی‌دهند؛ به خلاف قطع که از واقع، کشف تام می‌کند.

### خبر واحد:

خبری که به حد تواتر نرسد و بدون قرینه خارجی نتوان به صحت آن پی برد، خبر واحد نام دارد. خبر واحد به اعتبار اختلاف احوال راویان آن به چهار قسم تقسیم می‌شود.

۱- خبر صحیح: خبر صحیح، یا اعلی است، یا اوسط و یا ادنی.

---

<sup>۱</sup> محمدی، علی، شرح اصول فقه، ج ۳، ص (۱۷-۱۸). محمدی، علی، شرح رسائل، ج ۱، ص ۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر، المحصول فی علم الاصول، ج ۳، ص ۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۲، ص ۲۳. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص ۱۱۴. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۷۳. نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲، ص ۶. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۸. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۷۵ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۹ ش.

خبر صحیح اعلیٰ، خبری است که تمام راویان آن شیعه‌ی عادل باشند و امامی و عادل بودن تمام راویان از طریق علم یا شهادت دو نفر عادل ثابت شده باشد.

خبر صحیح اوسط، خبری است که راویان آن شیعه‌ی عادل بوده و عدالت و شیعه بودن راویان از طریق شهادت یک عادل ثابت شده باشد.

خبر صحیح ادنی، خبری است که عدالت و شیعه بودن همه یا برخی از راویان آن، از طریق ظن اجتهادی ثابت شود.

۲- خبر حسن: خبری است که راوی آن امامی ممدوح باشد، ولی تصریح به عدالت او نشده باشد.

۳- خبر مؤثق: خبری است که یک یا چند نفر از راویان آن غیر امامی ولی مؤثق باشند.

۴- خبر ضعیف: خبری که از اقسام سه‌گانه‌ی فوق نباشد، ضعیف است.

خبر، به اعتبار سند و متن تقسیمات دیگری نیز دارد که به خاطر طولانی شدن بحث، از ذکر آنها خودداری می‌شود.<sup>۲</sup>

## موضوع

موضوع به دو قسم عرفی و شرعی در علم اصول تقسیم می‌شود

## موضوعات عرفی

(الفاظ دارای مفاهیم عرفی و فاقد وضع خاص شرعی موضوعاتی که مخترع آنها شرع نباشد موضوعات عرفی نامیده می‌شود، زیرا تشخیص مفاهیم و تعیین مصادیق آنها به عهده عرف است. از این رو بر فقیه لازم است برای تشخیص و تحدید آنها به عرف مراجعه کند تا در فهم آن مفاهیم دچار لغزش و اشتباه نگردد.

الفاظی همانند «اناء»، «صعید»، «فقیر»، «سبیل الله»، و ...

---

<sup>۲</sup> ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول ج ۱؛ ص ۳۰۹-قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.

از مفاهیم عرفی می‌باشد و به نظر می‌رسد بیشتر موضوعات در باب معاملات، موضوعات عرفی است.<sup>۳</sup> یا به تعبیر دیگر منظور از موضوع عرفی چیزی است که پیش از شرع میان مردم وجود داشته مانند معاملات از قبیل بیع و اجاره و غیره.<sup>۴</sup>

### **موضوع شرعی (مخترعه)**

(موضوعات مخترعه عبارت است از موضوعاتی که شرع بوجود آورده و پیش از آن وجود نداشته است، مانند: رکوع و سجود و قنوت در نماز و غیره).<sup>۵</sup>

---

<sup>۳</sup> سبزواری، عبد‌الاعلی، تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۱۹. فیض، علی رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۲۲۲ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه ص ۸۱۷- قم، چاپ: اول، ۱۳۸۹ ش.

<sup>۴</sup> قلی زاده، احمد، واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه ص ۱۹۴- تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.

<sup>۵</sup> همان

## ادله قاعده

### استدلال به کتاب

برخی برای استدلال کردن به این قاعده تمسک به آیه نبا کرده اند که در ذیل به استدلال آن ها و نقد و بررسی پرداخته خواهد شد :

یکی از ادله حجیت خبر واحد در موضوعات آیه نبا «**إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَٰلِيًّا مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ**»<sup>۶</sup> است که با تمسک کردن به مفهوم وصف و شان نزول در این آیه و قبول حجیت مفهوم وصف می توان به حجیت خبر واحد در موضوعات استدلال کرد .

### استدلال به مفهوم وصف

از این آیه می توان نکات زیر را جهت استدلال برداشت نمود :

نکته اول : مفهوم وصف حجت است .<sup>۷</sup> به دلیل اینکه تمام قیود در جمله وصفیه رجوع به هیئت و حکم می کنند لذا مفهوم دارند .<sup>۸</sup>

نکته دوم : عنوان فاسق در آیه برای ذکر کردن فسق ولید فقط نیامده است و این خلاف فهم عرفی از آیه است.

<sup>۶</sup> الحجرات: ۵.

<sup>۷</sup> مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول ج ۲؛ ص ۴۰۱-قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.

<sup>۸</sup> لكن الإنصاف أن للوصف مفهوماً كما مرّ في مبحث المفاهيم خصوصاً في مثل ما نحن فيه حيث يكون في مقام إعطاء ضابطه كناية بملاحظة صدر الآية (و هو قوله تعالى: «يا أيها الذين آمنوا...»...الإنصاف أن القيود بأسرها قيود للحكم و راجعه إلى الحكم إما بلا واسطة أو مع الواسطة، حتى في مثل قولنا: «في الغنم السائمة زكاة» يكون وصف «السائمة» قيداً للموضوع (و هو الغنم) بلحاظ الحكم لأن الموضوع المفرد من دون تعلق حكم عليه لا معنى لتقييده بقيد، هذا أولاً. و ثانياً: ليس رجوع القيد إلى الحكم تمام الملاك للدلالة على المفهوم (كما مرّ بيانه) لأن تقييده دواعي مختلفه لا تنحصر في نفي الحكم عن الغير كأن يكون مورد الوصف محلاً لابتلاء المتكلم فعلاً و نحوه.



نکته سوم: آیه در صدد بیان حکم جزئی در قضیه ای خاص نیست بلکه در ماثم بیان حکم کلی است لذا در صدر آیه خطاب به مومنین کرده است.

نکته چهارم: تعلیلی که در ذیل آیه ذکر شده دلالت نمی کند بر اشتراط علم در خبر واحد بلکه مراد از جهالت سفاهت است و آنچه که عقلائی نباشد در حالیکه عمل کردن به خبر واحد عقلائی است و مصداق سفاهت نیست و اگر زمانی هم خلاف آن ثابت شود از قبیل همان علومی است که جهل مرکب بوده اند و خلاف آن ظاهر شده است<sup>۹</sup>

برخی از علما هم به این آیه استدلال کرده اند.<sup>۱۰</sup>

### **استدلال به شان نزول آیه:**

شان نزول آیه در باره خبر دادن ولید از ارتداد قبیله بنی المصطلق است که این خود یکی از موضوعات است و شایسته است که آیه شامل مورد خودش بشود و نمی توان گفت که مورد آیه از حکم آن خارج است در نتیجه آیه دلالت بر حجیت خبر واحد در موضوعات می کند.<sup>۱۱</sup>

### **پاسخ به استدلال به آیه نبا:**

برای پاسخ به استدلال اول به اصالة الظهور تمسک می شود:

### **تمسک به اصالة الظهور:**

به نظر می رسد اگر وصفی در کلام بیاید و هیچ گونه قرینه ای در کار نباشد، ظاهر وصف آن است که قید خود موضوع است نه قید حکم؛ بنابراین، حکم از ناحیه وصف مقید نشده بلکه به اطلاق و کلیتش باقی است. پس نمی توان گفت که با انتفای این وصف، سنخ الحکم و طبیعی الحکم منتفی می شود؛ بلکه، شخص الحکم رفته اما طبیعی الحکم به حال خودش باقی است.

<sup>۹</sup> همان

<sup>۱۰</sup> بحرانی، محمد سند، سند العروة الوثقی - کتاب الطهارة ج ۱، ص: ۲۴۷، ۵ جلد، انتشارات صفی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق متن: الثاني: بعض ما دل علی حجة خبر الواحد فی الأحكام مثل اطلاق مفهوم آیه النبأ كما حررناه فی الاصول، و نحوه بعض الأدلة الأخر.

<sup>۱۱</sup> مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول ج ۲؛ ص ۴۰۱-قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.

پس جمله وصفیه بدون وجود قرینه ظهور در رجوع قید به موضوع دارد در نتیجه دلالت بر مفهوم نمی کند و تمسک به مفهوم وصف در آیه صحیح نیست.

**تمسک به ذیل آیه بر نفی حجیت خبر واحد ظنی:**

عموم تعلیل در ذیل آیه (أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ) «خبر فاسق را تبیین کنید بعَلَّتْ اینکه تا برخورد جاهلانه با مردم نداشته باشید که در این صورت، از کرده تان پشیمان می شوید» بحسب منطوق هر خبری که احتمال وقوع در ندامت در آن راه دارد، را از حجیت و اعتبار ساقط می شود به عبارت دیگر عموم علت در ذیل آیه همان طوری که وجوب تبیین را در خبر فاسق، ثابت می نماید وجوب تبیین را در خبر عادل ایضا ثابت می نماید به این گونه: علت و انگیزه وجوب تبیین در خبر فاسق، که احتمال وقوع در مفسده و ندامت است در خبر عادل هم موجود است زیرا در مورد مخبر عادل گرچه احتمال تعمد در کذب، منتفی است اما احتمال غفلت و خطاء آن، ثابت و پابرجا است در نتیجه مفاد عموم تعلیل ذیل آیه، این است که عمل به خبر فاسق و عادل بدون تفحص جائز نیست و معلوم است که در صورت تعارض بین مفهوم و منطوق، ظهور کلام در منطوق، اقوی است.

### **مراد از جهالت و تبیین :**

مراد از جهالت عدم علم است و اینکه تفسیر به سفاهت بشود صحیح نیست به دو دلیل: دلیل اول: تفسیر جهل به سفاهت خلاف ظاهر است و دلیل دوم: عمل به مورد آیه سفیهانه نیست زیرا کسانی که به مورد آیه یعنی اخبار ولید عمل کردند اصحاب و رسول خدا بودند که این افراد سفیهانه عمل نمی کنند. مراد از تبیین هم کسب علم است.

### **پاسخ به استدلال کردن به شان نزول**

مورد آیه اخبار ولید از ارتداد قبیلہ بنی المصطلق بوده است و ما می دانیم که ارتداد شخصی با اخبار یک نفر ثابت نمی شود. بلکه ارتداد با شهادت عدلین یا اقرار خود مرتد ثابت می شود.<sup>۱۲</sup>

---

<sup>۱۲</sup> تحریر الأحكام، ج ۵، ص ۳۹۷، الرقم ۶۹۴۰ - راجع: الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۵۲ - تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۴۹۶، مسألة ۹. متن: علامه حلی رحمه الله: «ثبت الردة بشهادة شاهدين عدلين ذكرين أو الإقرار مرة، و لا تثبت بشهادة النساء»

در نتیجه استدلال به این آیه بر حجیت خبر واحد در موضوعات صحیح نیست .

## استدلال به آیه شهادت بر حجیت خبر واحد در موضوعات

برخی برای اثبات حجیت خبر واحد در موضوعات تمسک به آیات شهادت کرده اند :

- «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمَّ قَلْبُهُ»<sup>۱۳</sup>

- «وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ»<sup>۱۴</sup>

- «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ»<sup>۱۵</sup>

- «وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا»<sup>۱۶</sup>

وجه استدلال :

طبق این آیات اظهار کردن واجب است و اگر اظهار واجب شود قبول هم واجب است حال اگر یک نفر عادل در موضوعی شهادت بدهد و اظهار بکند آنچه را که تحمل شهادت کرده قبول آن واجب می شود زیرا اگر قبول واجب نشود وجوب اظهار لغو می شود. و این همان حجیت خبر واحد در موضوع است. ۱۷.

پاسخ :

---

انضممن أو انفردن.» و مانند آن کلام شهید اول ، و بیان حضرت امام رحمه الله: «يثبت الارتداد بشهادة عدلين و بالإقرار، و الأحوط إقراره مرتين، و لا يثبت بشهادة النساء منفردات و لا منضمات.»

<sup>۱۳</sup> بقره ۲۸۳

<sup>۱۴</sup> طلاق ۲

<sup>۱۵</sup> نسا ۱۳۵

<sup>۱۶</sup> بقره ۲۸۳

<sup>۱۷</sup> مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول ج ۲، ص: ۸۴-قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.

استدلال به لغویت به ما این مطلب را منتقل می کند که در اظهار کردن فوایدی وجود دارد و اینطور نیست که حتما آن فائده و جوب قبول باشد بلکه می توان آن فائده صلاحیت الحاق کردن شاهد دیگر به شاهد اول باشد. با این بیان و جوب اظهار از لغویت بیرون می آید. ۱۸.

## استدلال به روایات

در راستای بحث کردن از قاعده حجیت خبر واحد در موضوعات به روایات تمسک شده است که اینکبه ذکر احادیث در این باره و نقد و بررسی آن ها پرداخته می شود :

روایت اول :

۱۳۴۱-۱- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ<sup>۱۹</sup> عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ يَوْسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَلَالَ فَأَفْطِرُوا- أَوْ شَهِدَ عَلَيْهِ عَدْلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ إِنْ لَمْ تَرَوْا الْهَلَالَ إِلَّا مِنْ وَسَطِ النَّهَارِ أَوْ آخِرِهِ- فَاتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ- وَ إِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أَفْطِرُوا.<sup>۲۰</sup>

۱۸ همان

<sup>۱۹</sup> طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام ص: ۶۳، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق متن اسناد شیخ طوسی: و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن الحسين بن سعيد فقد اخبرني به الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبید الله و احمد بن عبدون. کلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن ابیه محمد بن الحسن بن الولید و اخبرني به أيضا ابو الحسين ابی جید القمی عن محمد بن الحسن بن الولید عن الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد، و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد.

<sup>۲۰</sup> عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۱۰، ص: ۲۷۸، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق متن روایت از تهذیب طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام ج ۴، ص: ۱۵۸، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق: ۴۴۰-۱۲- وَ عَنْهُ (حسین بن سعید) عَنِ يَوْسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنِ

مؤید این روایت از کتب عامه روایتی است که بیهقی در کتاب سنن خود نقل می کند:

عن ابن عباس قال جاء أعرابي إلى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ إِنِّي رَأَيْتُ الْهَلَالَ يَعْنِي هَلَالَ رَمَضَانَ فَقَالَ أَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَ تَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ يَا بَلَالُ أَدْنُ فِي النَّاسِ أَنْ يَصُومُوا غَدًا ۲۱

نکته: در نسخه دیگری از روایت اول به جای (شهد علیه عدل) آمده: (واشهدو علیه عدولا) ۲۲ که این نسخه دلیل بر مدعی نیست. نکته مهم تر این است که با وجود تعدد نسخه ها دیگر نمی توان به این روایت استدلال کرد.

روایت دوم:

۲۵۶۷۲-۲- مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ جَارِيَةً أَوْ تَمَتَّعَ بِهَا- فَحَدَّثَهُ رَجُلٌ ثَقَّةٌ أَوْ غَيْرُ ثَقَّةٍ فَقَالَ- إِنَّ هَذِهِ امْرَأَتِي وَ لَيْسَتْ لِي بَيْنَهُ- فَقَالَ إِنْ كَانَ ثَقَّةً فَلَا يَقْرَبُهَا- وَإِنْ كَانَ غَيْرُ ثَقَّةٍ فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ. ۲۳

نکته: این روایت دلالت بر مطلوب یعنی حجیت خبر واحد در موضوعات را دارد زیرا این زن مشکوکه موضوع خارجی است و یک نفر عادل خبر از وضعیت زن می دهد که این زن من است. امام می فرماید که حرف او را بپذیر.

---

أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَلَالَ فَأُفْطِرُوا أَوْ شَهِدَ عَلَيْهِ عَدْلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَإِنْ لَمْ تَرَوْا الْهَلَالَ إِلَّا مِنْ وَسَطِ النَّهَارِ أَوْ آخِرِهِ فَأَتَمُّوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَعُدُّوا ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أُفْطِرُوا.

۲۱ البیهقی فی سننه ج ۴ ص ۲۱۱ (کتاب الصیام) باب الشهادة علی رؤیة الهلال و بهذا المضمون روایات عدیده أخرى فی نفس الكتاب.

۲۲ همان

۲۳ عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۲۰، ص: ۳۰۰، ۳۰۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

روایت سوم :

از کتاب فقه الرضا : فإن كان البائع ثقة و ذكر أنه استبرأها جاز نكاحها من وقتها و إن لم يكن ثقة استبرأها المشتري بحيضة و إن كانت بكرا أو لامرأة أو ممن لم يبلغ حد الإدراك استغني عن ذلك<sup>۲۴</sup>

نکته : درست است که اصل در شک در وطی و عدم آن عدم وطی است اما چون غالبا کنیزها موزد و طی واقع می شدند خریدار شک می کرد . در این حالت امام فرمودند اگر عادلی خبر داد که کنیز استبرأ شده است باید پذیرفت .

اما مشکل در سند روایت است زیرا کتاب فقه الرضا کتاب خود امام رضا (ع) نیست پس این کلام امام نیست .

روایت چهارم :

۶۸۴۲-۲- وَ بِإِسْنَادِهِ<sup>۲۵</sup> (محمد بن الحسن) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: الْمُؤَدَّنُ مُؤْتَمَنٌ وَالْإِمَامُ ضَامِنٌ.<sup>۲۶</sup>

---

۲۴ منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام ص: ۲۳۳، الفقه - فقه الرضا، در یک جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد - ایران، اول، ۱۴۰۶ هـ ق- این روایت در مستدرک هم نقل شده : نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۳، ص: ۳۷۳، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ هـ ق - مضمون این روایت در الکافی ۵: ۴۷۲ / ۴ و ۷، و التهذیب ۸: ۱۷۳ / ۶۰۲ - ۶۰۴ آمده است

۲۵ متن مشیخه شیخ طوسی در اسناد ایشان به محمد بن علی: و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن محمد بن علی بن محبوب فقد اخبرنی به الحسين بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی العطار عن ابیه محمد بن یحیی عن محمد بن علی بن محبوب.

۲۶ عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ۵، ص: ۳۷۸، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

نکته : این روایت دلالت می کند بر جواز اعتماد کردن بر اذان موذن در فهمیدن وقت اذان که از موضوعات است .

روایت پنجم :

۲۴۳۶۸-۱- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ<sup>۲۷</sup> عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ وَكَلَّ آخَرَ- عَلَى وَكَالَةٍ فِي أَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ- وَ أَشْهَدَ لَهُ بِذَلِكَ شَاهِدَيْنِ- فَقَامَ الْوَكِيلُ فَخَرَجَ لِأَمْرٍ الْأَمْرِ- فَقَالَ أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَزَلْتُ فَلَانًا عَنْ الْوَكَالَةِ- فَقَالَ إِنْ كَانَ الْوَكِيلُ أَمْضَى الْأَمْرِ- الَّذِي وَكَلَّ فِيهِ قَبْلَ الْعَزْلِ- فَإِنَّ الْأَمْرَ وَاقِعٌ مَاضٍ عَلَى مَا أَمْضَاهُ الْوَكِيلُ- كَرِهَ الْمُوَكَّلُ أَمْ رَضِيَ- قُلْتُ فَإِنَّ الْوَكِيلَ أَمْضَى الْأَمْرِ قَبْلَ أَنْ يَعْلَمَ الْعَزْلَ- أَوْ يَبْلُغَهُ أَنَّهُ قَدْ عَزَلَ عَنِ الْوَكَالَةِ- فَأَلْأَمْرُ عَلَى مَا أَمْضَاهُ قَالَ نَعَمْ- قُلْتُ لَهُ فَإِنْ بَلَغَهُ الْعَزْلَ قَبْلَ أَنْ يُمَضِيَ الْأَمْرَ- ثُمَّ ذَهَبَ حَتَّى أَمْضَاهُ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ- قَالَ نَعَمْ إِنَّ الْوَكِيلَ إِذَا وَكَّلَ- ثُمَّ قَامَ عَنِ الْمَجْلِسِ فَأَمْرُهُ مَاضٍ أَبَدًا- وَ الْوَكَالَةُ ثَابِتَةٌ حَتَّى يَبْلُغَهُ الْعَزْلَ عَنِ الْوَكَالَةِ- بِثِقَةٍ يُبْلَغُهُ أَوْ يُشَافَهُ بِالْعَزْلِ عَنِ الْوَكَالَةِ.

وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ نَحْوَهُ.<sup>۲۸</sup>

نکته : این روایت دلالت می کند بر بقا وکالت تا زمانیکه شخص ثقه ای برای وکیل خبر بیاورد که از وکالت عزل شده است .

<sup>۲۷</sup> متن مشیخه صدوق : و ما كان فيه عن محمد بن أبي عمير فقد رويته عن أبي؛ و محمد بن الحسن- رضى الله عنهما- عن سعد بن عبد الله؛ و الحميرى جميعا عن أيوب بن نوح؛ و إبراهيم هاشم؛ و يعقوب بن يزيد؛ و محمد بن عبد الجبار جميعا عن محمد بن أبي عمير(قمى)، صدوق، محمد بن على بن بابويه، من لا يحضره الفقيه ج ٤، ص: ٤٦٠، ٤ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ١٤١٣ هـ ق)

<sup>۲۸</sup> عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ١٩، ص: ١٦٢، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ١٤٠٩ هـ ق

لذا در ضمن آن می توان حجیت خبر واحد در موضوعات را نتیجه گرفت

اشکال : در این روایت خبر ثقه نایب مناب قطع موضوعی وکیل به عزل خودش شده است در حالیکه بحث از حجیت خبر ثقه در جایی است که نایب مناب قطع طریقی بشود.

پاسخ : در اینجا خبر ثقه نایب مناب قطع موضوعی طریقی شده است که منافاتی با حجیت آن ندارد ۲۹

اشکال : در صدر روایت سائل دو شاهد گرفته است و این با بحث حجیت خبر واحد در موضوعات سازگاری ندارد .

پاسخ : این فعل معصوم نبوده است که بخواهیم به آن استدلال بکنیم بلکه یک کاری است که غیر معصوم انجام داده است و اشکالی ندارد که علاوه بر یک شاهد انسان شاهد دیگری را هم بگیرد بلکه حتی می تواند شاهد های زیاد تری را هم بگیرد ولی لازم یک شاهد بوده است .

روایت ششم :

۲۴۸۹۴- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ<sup>۳۰</sup> عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدِي دَنَانِيرٌ- وَ كَانَ مَرِيضًا فَقَالَ لِي إِنْ حَدَثَ بِي حَدَثٌ- فَأَعْطِ فُلَانًا عَشْرِينَ دِينَارًا- وَ أَعْطِ أَخِي بَقِيَّةَ الدَّنَانِيرِ فَمَاتَ وَ لَمْ أَشْهَدْ مَوْتَهُ- فَأَتَانِي رَجُلٌ مُسْلِمٌ صَادِقٌ فَقَالَ لِي- إِنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَكَ أَنْظِرِ الدَّنَانِيرَ- الَّتِي أَمَرْتَك أَنْ تَدْفَعَهَا إِلَيَّ أَخِي- فَتَصَدَّقْ مِنْهَا بِعَشْرَةِ دَنَانِيرٍ- أَقْسَمُهَا فِي الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَعْلَمْ أَخُوهُ أَنَّ عِنْدِي شَيْئًا- فَقَالَ أَرَى أَنْ تَصَدَّقَ مِنْهَا بِعَشْرَةِ دَنَانِيرٍ.

<sup>۲۹</sup> شهید صدر ، بحوث فی شرح العروة ۹۸: ۲.

<sup>۳۰</sup> متن مشیخه در اسناد شیخ طوسی : ما ذکرته عن محمد بن یحیی العطار فقد رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی العطار. و خبرنی به ایضا الحسین بن عبید الله ابو الحسین بن ابی جید القمی جمیعا عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه محمد بن یحیی العطار. (تهذیب الأحكام، المشیخه، ص: ۳۴)



وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي  
الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ<sup>٣١</sup>

نکته: این روایت دلالت دارد بر اینکه اگر مخبر صادقی خبری آورد به آن می توان ترتیب اثر داد.

اشکال: سوال سائل دو احتمال در آن است که موجب اجمال سوال می شود و اجمال سوال به جواب امام  
سرایت می کند لذا نمی توان به این روایت استناد کرد و آن دو احتمالی است:

احتمال اول: سائل سوال می کند از حجیت خبر مخبر صادق

احتمال دوم: سائل سوال می کند از اینکه اگر برادر میت باخبر شود و از من طلب بینه بکند من بینه ندارم  
یا طلب قسم بکند من نمی خواهم قسم بخورم آیا می شود بدون خبر دادن برادر میت به خبر مخبر صادق  
عمل بکنم؟

این دو احتمال موجب تردید و اجمال در سوال و بالتبع در جواب می شود.

پاسخ: احتمال دوم بعید است و دور از ذهن بلکه جواب امام مرجح احتمال اول است و مطابق با حرف  
مخبر صادق است لذا روایت ظهور دارد در حجیت خبر عادل در موضوعات.

روایت هفتم:

٢٦٦٠٠ - ١ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ  
الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَشْتَرِي الْأَمَةَ مِنْ رَجُلٍ فَيَقُولُ إِنِّي لَمْ أَطَاهَا - فَقَالَ  
إِنْ وَثِقَ بِهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْتِيَهَا الْحَدِيثَ.

وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مِثْلَهُ<sup>٣٢</sup>

<sup>٣١</sup> عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ١٩، ص: ٤٣٣، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ١٤٠٩

هـ ق

<sup>٣٢</sup> عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ٢١، ص: ٨٩، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ١٤٠٩

هـ ق

اشکال : این روایت مصداقی برای قول ذی الید است و قبول قول ذی الید دلالتی بر حجیت خبر واحد ندارد .

پاسخ : اصل در کنیز این است که او موطوئه باشد و در جایی که غلبه بر موطوئه بودن است دیگر نمی توان به قول ذی الید تمسک کرد لذا نیاز مند به وثاقت مخبر داریم و امام هم فرمودند اگر به او اطمینان داری حرفش را بپذیر لذا روایت دلالت بر حجیت خبر ثقه در موضوعات می کند .

روایت هشتم :

۴۲۵۳-۲- وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اغْتَسَلَ أَبِي مِنَ الْجَنَابَةِ - فَقِيلَ لَهُ قَدْ أَبْقَيْتَ لُمْعَةً فِي ظَهْرِكَ لَمْ يُصْبِهَا الْمَاءُ - فَقَالَ لَهُ مَا كَانَ عَلَيْكَ لَوْ سَكَتَ - ثُمَّ مَسَحَ تِلْكَ اللَّمْعَةَ بِيَدِهِ. ۳۳

اشکال به این روایت :

اولا در این روایت عنوان کلی یا قاعده کلی وجود ندارد که ما بخواهیم بر حجیت خبر واحد در موضوعات به آن تمسک کنیم بله در یک واقعه مذکور دلالت دارد .

ثانیا این روایت مخالف با اعتقادات ما است زیرا دلالت دارد که امام سهو و نسیان می کند در حالیکه ما معتقد هستیم که از امام سهو و نسیان صادر نمی شود .

ثالثا وجود کلمه (عده من اصحابنا) موجب می شود که روایت مرسله بشود پس از جهت سندی هم ضعیف است .

روایت نهم :

۳۳ عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ۳، ص: ۴۸۷، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹

۲۲۰۷۷-۴ - وَ عَنْهُ (محمد بن الحسن) عَنْ أَحْمَدَ الْمِشْمِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي جُرْذِمَاتٍ فِي زَيْتٍ مَا تَقُولُ فِي بَيْعِ ذَلِكَ - فَقَالَ بَعُهُ وَ بَيْنَهُ لِمَنْ اشْتَرَاهُ لِيَسْتَصْبِحَ بِهِ.<sup>۳۴</sup>

اشکال به روایت : این روایت دلالتی بر حجیت خبر ثقه در موضوعات ندارد زیرا هیچ گونه تصریحی به وثاقت مخبر نکرده و شاید دلالت بر پذیرفتن قول ذی الید بکند .

روایت ۳۵ دیگری راهم ذکر کرده اند که اصلا مربوط به بحث ما نمی شود لذا آن را ذکر نکردیم .

نکته : این روایات به حد استفاضه هستند و خبر مستفیض حجت است البته مضمون این روایات که دلالت دارند بر حجیت خبر واحد در موضوعات مدلول استفاضه این احادیث است لذا می توان این روایات را به عنوان دلیل پذیرفت .

### روایات مخالف با قاعده

برخی برای استدلال کردن به عدم حجیت خبر واحد در موضوعات به روایات مخالف تمسک کرده اند .

روایت اول : روایت مسعده بن صدقه

۴۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتَهُ يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ وَ ذَلِكَ مِثْلُ الثَّوْبِ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرَقَةٌ أَوْ الْمَمْلُوكُ عِنْدَكَ وَ لَعَلَّهُ حُرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدَعَ فَبِيعَ أَوْ قَهَرَ أَوْ امْرَأَةٌ تَحْتِكَ وَ هِيَ أَخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتِكَ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيِّنَةُ.<sup>۳۶</sup>

<sup>۳۴</sup> عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ۱۷، ص: ۹۸، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹

هق

<sup>۳۵</sup> وسائل، کتاب الودیعه، باب ۶ ح ۱ ج ۱۹ ص ۸۲

<sup>۳۶</sup> کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی ج ۵، ص: ۳۱۳ (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران،

چهارم، ۱۴۰۷ هق

وجه استدلال :

در این روایت بیان شده که دلیلی حجیت دارد که علم آور باشد یا بینه باشد لذا اگر ظن آور باشد مانند خبر واحد حجیت ندارد پس مفهوم این روایت دلالت بر عدم حجیت خبر واحد می کند و از طرفی هم مربوط به موضوعات است زیرا تعبیر به (بعینه والاشیا علی هذا) دارد .

### **پاسخ هائی که به این روایت داده شده است :**

این پاسخ ها در دو بخش سند و دلالت مطرح می شود .

### **اشکال های سندی :**

سند روایت ضعیف است چون وثاقت مسعده بن صدقه ثابت نشده است

**پاسخ :** وثاقت مسعده را می توان ثابت کرد :

### **نکاتی پیرامون کتاب کامل الزیارات :**

مؤلف : ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۷ یا ۳۶۹) در کاظمین بغداد در رواق شریف .

این کتاب از مصادر وسائل الشیعه می باشد .

مؤلف در مقدمه می نویسد : و قد علمنا انا لا نحیط بجميع ما روی عنهم فی هذا المعنی و لا فی غیره لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا رحمهم الله برحمته ولا اخرجت فيه حدیثا روی عن الشاذ من الرجال

ترجمه : لکن آنچه در دست ماست همگی از طریق راویان مورد وثوق شیعه است و از راویانی که احادیث شاذ و نادر نقل می کنند و در نقل روایت معروف و در فقه و علم مشهور نیستند حتی یک حدیث نقل

نکرده ام ... ۳۷.

از این مقدمه فهمیده می شود که تمام راویان موجود در سلسله سند ر آیات این کتاب ثقه هستند .

تعداد راویان این کتاب ۳۸۸ نفر هستند .

شیخ حر عاملی ، آقای خوئی : کلام مؤلف در مقدمه دلیل بر وثاقت راویان می باشد .

آقای سبحانی: کلام ابن قولویه در مقدمه فقط بر توثیق مشایخ بدون واسطه دلالت دارد نه همه راویان  
دلیل:

عبارت ابن قولویه: من اصحابنا رحمهم الله برحمته. در بین راویان واقفی و فطحی وجود دارد و این دعا  
برای همه آنها شایسته نیست بلکه مراد از اصحابنا فقط مشایخ بدون واسطه او بوده است.

ایشان از شخص سنی به نام لیث بن ابی سلیم نقل کرده و همینطور از ابی حمزه بطائنی که در وثاقت او  
اختلاف است و همینطور از حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی و عمر بن سعد و از بعضی از همسران  
پیامبر که اعتمادی به نقل حدیث از آنها نیست.

عادتاً راویان اهتمام داشته اند به وثاقت شیخ خود و کاری نداشتند به اینکه شیخ آنها از چه کسی نقل می  
کند.

و به همین نظر آقای خوئی معتقد شده اند در اواخر عمر شریفشان و از نظر قبلی خود عدول کرده اند.

این ادله دلیل بر این است که مراد مشایخ بدون واسطه است. و تعداد آنها ۳۲ نفر هستند. اما مسعده شیخ  
بدون واسطه نیست بلکه با واسطه است چون از اصحاب امام صادق و بنا بر قولی از اصحاب امام باقر  
است.

### بیان دیگری در وثاقت مسعده:

(شیخ انصاری از این روایت تعبیر به موثقه کرده ۳۸ اما ما در کتب رجالیه وثاقتی برای مسعده یافت نکردیم  
بلکه علامه در الخلاصه ۳۹ و علامه مجلسی ۴۰ و سید بحر العلوم ۴۱ مسعده را تضعیف کرده اند و نهایت  
چیزی که در مدح مسعده گفته اند این است که روایات او مضطرب نیستند و مضامین آن ها در روایات ثقه  
وجود دارد.

---

<sup>۳۸</sup> راجع فرائد الأصول: ۳/ ۳۵۱. تحقیق لجنة التحقیق، المطبعة باقری.

<sup>۳۹</sup> خلاصه الأفعال: ۴۰۱ الرقم ۱۶۶۱.

<sup>۴۰</sup> الوجیزة فی الرجال: ۱۷۸ رقم ۱۸۸۱.

<sup>۴۱</sup> رجال السید بحر العلوم: ۳/ ۳۳۶ ۳۳۹.

اما با وجود توثیق شیخ انصاری به ضمیمه وجود مسعده در اسناد کامل الزیارات و تصریحی که ابن قولویه در مقدمه کتاب بیان کرده است که روایت نکرده است در این کتاب مگر از ثقات از اصحاب و روایاتی را ذکر کرده که شاذ نبوده است می توان معتقد به وثاقت او شد. ( ۴۲ این حرف هم درست نیست چون ظاهر از مقدمه کتاب شیخ بدون واسطه است یا حداقل قدر متیقن بدون واسطه است لذا مسعده که با واسطه است شامل نمی شود. پس مسعده ثقه نیست.

هارون بن مسلم ثقه است ۴۳

## اشکال دلالی :

لفظ بینه که در روایت آمده است در زمان پیامبر حقیقت شرعیه ای برای کلمه بینه در معنای شرعی مصطلح ثابت نشده است بلکه در آن زمان از حجت تعبیر به بینه می کردند که از جمله مصادیق آن خبر واحد است

**پاسخ :** در زمان صادقین حقیقت متشرعیه شده است و لفظ بینه ظهور در بینه اصطلاحی دارد .

نتیجه این بحث : روایت مسعده از جهت سند مشکلی ندارد و یک روایت معارض با روایات سابق شمرده می شود .

روایت مخالف دیگر: روایاتی هستند که در باره شهادت دو شاهد وارد شده اند :

۳۱۳۷۷-۲- (محمد بن یعقوب) وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْجَبْنِ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ لَكَ حَلَالٌ - حَتَّى يَجِيئَكَ شَاهِدَانِ يَشْهَدَانِ أَنَّ فِيهِ مَيْتَةً. ۴۴

نکته : راویان این روایت ضعیف هستند .

---

۴۲ فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله ص ۱۹۲ ( الاجتهاد و التقليد ) - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.

۴۳ متن توثیق نجاشی (نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، رجال النجاشی ص: ۴۳۸- فهرست أسماء مصنفی الشیعه، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۷ هـ ق): کان نزلها، و أصله [من] الأنبار. یکنی أبا القاسم، ثقه

۴۴ عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ج ۲۵، ص: ۱۱۸، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹

١٣٤٣٣-٤- محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد عن الحسن بن صفوان عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله ع أنه قال: صم لرؤية الهلال و أفطر لرؤيته- فإن شهد عندكم شاهدان مرضيان بأنهما رأياه فاقضيه.

و رواه المفيد في المقنعة عن صفوان بن يحيى مثله.<sup>٤٥</sup>

١٣٤٣٠-١- محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه و عن محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعاً عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن الحلبي عن أبي عبد الله ع أن علياً ع كان يقول لا أجيز في الهلال إلا شهادة رجلين عدلين.

و رواه الصدوق بإسناده عن الحلبي مثله.<sup>٤٦</sup>

١٣٤٣٢-٣- (محمد بن يعقوب) و عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن أبي عبد الله ع قال: قال أمير المؤمنين ع لا تجوز شهادة النساء في الهلال- و لا يجوز إلا شهادة رجلين عدلين.

و رواه الصدوق مرسلًا نحوه.<sup>٤٧</sup>

٣٤٠٤٤-١٣- (شيخ صدوق) و عن أبيه عن علي بن محمد بن قتيبة عن حمدان بن سليمان عن نوح بن شعيب عن محمد بن إسماعيل عن صالح بن عقبة عن علقمة قال: قال الصادق ع و قد قلت له يا ابن رسول الله أخبرني- عمن تقبل شهادته و من لا تقبل- فقال يا علقمة كل من كان على فطرة الإسلام- جازت شهادته قال فقلت له- تقبل شهادة مقترف بالذنوب

<sup>٤٥</sup> عاملي، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة ج ١٠، ص: ٢٨٧، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ١٤٠٩ هـ ق

<sup>٤٦</sup> عاملي، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة ج ١٠، ص: ٢٨٦، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ١٤٠٩ هـ ق

<sup>٤٧</sup> عاملي، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٢٨٧، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ١٤٠٩ هـ ق

فَقَالَ يَا عَلْقَمَةَ - لَوْ لَمْ تُقْبَلْ شَهَادَةُ الْمُقْتَرِفِينَ لِلذُّنُوبِ - لَمَا قُبِلَتْ إِلَّا شَهَادَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ  
 الْأَوْصِيَاءِ ع - لِأَنَّهُمُ الْمَعْصُومُونَ دُونَ سَائِرِ الْخَلْقِ - فَمَنْ لَمْ تَرَهُ بِعَيْنِكَ يَرْتَكِبُ ذَنْبًا - أَوْ  
 لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ بِذَلِكَ شَاهِدَانِ - فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْعَدَالَةِ وَالسُّتْرِ - وَ شَهَادَتُهُ مَقْبُولَةٌ وَإِنْ  
 كَانَ فِي نَفْسِهِ مُذْنِبًا - وَمَنْ اغْتَابَهُ بِمَا فِيهِ فَهُوَ خَارِجٌ مِنْ وَكَايَةِ اللَّهِ - دَاخِلٌ فِي وَكَايَةِ  
 الشَّيْطَانِ. ٤٨

عبارت (أَوْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ بِذَلِكَ شَاهِدَانِ) دلالت دارد که خبر واحد چیزی را ثابت نمی کند .

اما این روایت سندش ضعیف است .

٣٤٠٥٠ - ١٩ - (شیخ طوسی) و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ  
 الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ عَنِ أَبِيهِ ع أَنَّ شَهَادَةَ الْأَخِ  
 لِأَخِيهِ تَجُوزُ - إِذَا كَانَ مَرَضِيًّا وَ مَعَهُ شَاهِدٌ آخَرٌ. ٤٩

نکته : شهادت دادن برادر برای برادر خالی از اتهام نیست لذا اگر تعدد در این گونه شهادت معتبر بشود  
 دلیلی بر رد کردن حجیت خبر واحد در موضوعات نمی شود زیرا در این روایت موضوع خاصی را بیان می  
 کند و از جهت دیگر اعتبار تعدد در شهادت در مجلس قضاوت منافاتی با اعتبار حجیت خبر واحد در  
 موضوعات ندارد. ٥٠

٤٨ عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ٢٧، ص: ٣٩٦، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ١٤٠٩

هـ ق

٤٩ عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ٢٧، ص: ٣٩٧، ٣٠ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ١٤٠٩

هـ ق

٥٠ عمدة الأصول، ج ٥، ص: ٣٢٥



۳۴۰۶۳-۲- (شیخ طوسی) وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَنْ أَبِيهِ) عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ كَانَ لَا يُجِيزُ شَهَادَةَ رَجُلٍ عَلَى رَجُلٍ - إِلَّا شَهَادَةَ رَجُلَيْنِ عَلَى رَجُلٍ.<sup>۵۱</sup>

نکته: این روایت صراحت دارد که خبر واحد در موضوعات مفید نیست.

نکته کلی پیرامون روایات مخالف:

این احتمال به ذهن خطور می کند که این روایات اختصاص دارند به مورد باب قضا و شهادت و نمی توان آن ها را تسری داد به تمام موضوعات در واقع عدم حجیت خبر واحد در موضوعات را در باب قضا و شهادت را می توان برداشت کرد. لذا نمی توان این روایات را ردعی برای سیره عقلا قرار داد. از طرفی هم این احتمال وجود دارد که این روایات مخالف تعدادشان زیاد است و مقابله می کند با روایات موافق لزامی توان حکم به احتیاط کرد که برای ثابت شدن یک موضوع از دو نفر استفاده کرد.

## استدلال به سیره عقلا

یکی از دلائل محکم بر حجیت خبر واحد سیره عقلا است. که عقلا خبر واحد ثقه را می پذیرند و در این مورد فرقی بین متعلق خبر که احکام باشد یا از موضوعات نمی گذارند لذا با تمسک به سیره عقلا می توان دلیلی محکم بر حجیت خبر واحد در موضوعات اقامه کرد.

از طرفی این آیات و روایات موافق امضائی هستند برای این سیره.<sup>۵۲</sup>

## اشکالات:

**اشکال اول:** خبر مسعده بن صدقه به شکل عام نفی می کند حجیت خبر واحد را در موضوعات و این خود یک ردعی از سیره است.

---

<sup>۵۱</sup> عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۲۷، ص: ۴۰۳، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

<sup>۵۲</sup> القواعد الفقهية (لمکارم)، ج ۲، ص: ۹۰

**پاسخ اول:** خبر مسعده بن صدقه چون خبر واحد است نمی تواند سیره عقلا را ردع بکند زیرا خبر واحد نمی تواند دلیل بر حجیت خبر واحد را رد بکند و اگر این کار را ثابت بدانیم خود دلیل بر حجیت خبر واحد است.

**پاسخ دوم:** برای ردع کردن از سیره عقلا نمی توان به خبر مسعده تمسک کرد زیرا برای ردع سیره باید اخبار زیادی را نقل کرد و نباید به یک حدیث اکتفا کرد چون زمانیکه یک عملی بین عقلا تبدیل به سیره می شود شارع برای ردع آن تمسک می کند به اخبار زیادی مانند نهی از قیاس کردن و چون در اینجا ما اخبار زیادی بر ردع سیره نداریم لذا نمی توان گفت که این سیره عقلا ردع شده است.<sup>۵۳</sup>

**پاسخ سوم:** این سیره در زمان قبل از امام صادق علیه السلام ردعی نشده بود خبر مسعده هم در زمان این امام است لذا نمی تواند به عنوان ردع قرار بگیرد. حال اگر شک کردیم در ردع این سیره بواسطه خبر مسعده استصحاب امضا می کنیم.<sup>۵۴</sup>

**اشکال به پاسخ سوم:** شاید این خبر مسعده یکی از احکامی است که توسط امام صادق (ع) به مسلمانان ابلاغ شده است و با این بیان می تواند ردع سیره باشد.

**جواب به این اشکال:** اگر رادع سیره است امام نباید اکتفا می کرد به یک روایت بلکه باید روایات زیادی را در مواضع مختلفی نقل می کرد تا ما برداشت رادعیت بکنیم. بلکه با یک روایت نمی توان یک سیره را ردع کرد.

### **اشکال دوم:**

روایات مخالف که در بالا ذکر شد هرچند که در مواضع خاصی آمده اند اما عرف از آن ها برداشت قاعده کلیه می کند که خبر واحد در موضوعات حجیت ندارد.

### **پاسخ به اشکال دوم:**

همانطور که شما می گوئید که عرف از این روایاتی که در مواضع خاصی وارد شده اند برداشت عدم حجیت خبر واحد در موضوعات می کند ما هم در مقابل می گوئیم که روایات موافق هم که در مواضع

---

<sup>۵۳</sup> القضاء فی الفقه الإسلامی، ص: ۲۷۴

خاصی وارد شده اند هم عرف از آن ها برداشت حجیت خبر واحد در موضوعات می کند. لذا این دو دسته روایات با هم تعارض و تساقط می کنند. در نهایت ما با تمسک به استصحاب امضا و جود سیره در قبل زمان امام صادق (ع) تمسک به حجیت خبر واحد در موضوعات می کنیم.

در نتیجه: می توان ادعا کرد که یکی از ادله مهم و محکم در اثبات حجیت خبر واحد در موضوعات سیره عقلا است.

## استدلال به بنای علما

از کلمات و عمل علما فهمیده می شود که آن ها در موضوعات استناد به اخبار احاد می کنند و اینک مواضع آن را بیان می کنیم:

**مورد اول:** در توثیقات رجالیون در کتب رجال همه علما اکتفا می کنند به توثیق یک نفر به این معنی که اگر مثلا فقط نجاشی بگوید فلان راوی ثقه است همه می پذیرند در حالیکه نجاشی یک خبر واحد ثقه است و وثاقت راوی هم از موضوعات است. پس معلوم می شود که علما خبر واحد در موضوعات را قبول دارند.

**اشکال:** اینکه علما به خبر رجالی واحد عمل می کنند از باب عمل به خبر واحد در موضوعات نیست بلکه آن ها می خواهند به روایت اطمینان پیدا بکنند حال از هر طریقی که اطمینان پیدا بکنند کفایت می کنند یکی از راه هایی که اطمینان پیدا می کنند نقل رجالی است.

**جواب:** بالاخره به عنوان یکی از راه های ایجاد اطمینان خبر واحد در موضوعات است لذا حجت است.

**مورد دوم:** در روایات این مطلب زیاد است که اگر راوی از موضوعی خبر داد و آن راوی ثقه بود حرف او پذیرفته می شود مثلا اگر محمد بن مسلم نقل بکند که در روز جمعه خدمت امام بودیم و از روز عید سوال کردیم و امام فرمودند این روز روز عید است. همه علما قبول می کنند که روز عید در روز جمعه است در حالیکه امام فرمود روز جمعه عید است بلکه روز جمعه را محمد بن مسلم نقل کرد اما حرف او را می پذیرند.

**اشکال:** وقتی می گوئیم خبر واحد در احکام حجیت است به این معنی نیست که راوی باید حتما حکم شرعی نقل بکند که ما بپذیریم بلکه اگر هر خبری بدهد که منتهی بشود به حکم شرعی، این خبر را ما جز خبر از حکم می دانیم لذا ادله حجیت شامل آن می شود. و این مورد دوم هم از قبیل اخبار از موضوعی است که منتهی می شود به حکم شرعی.<sup>۵۵</sup>

**جواب:** این یک احتمالی و تحلیلی است که نمی تواند حجیت خبر واحد در موضوعات را نافی باشد.

**اشکال به دو مورد بالا:** این اشکالی که به مورد دوم مطرح شد به مورد اول هم وارد می شود و در واقع

این اشکال اشاره به مبنائی دارد که در حجیت خبر ثقه در احکام است و آن اینکه ما در خبر از احکام توسط مخبر ثقه توسعه ای می دهیم به اینکه خبر از موضوعی که منتهی بشود به حکم شرعی این هم شامل ادله حجیت خبر ثقه در احکام می شود. علما این مبنا را در بحث از حجیت قول لغوی مطرح می کنند که ادله حجیت خبر واحد شامل قول لغوی در آن جایی که خبر از معنای لفظی می دهد که موب تعیین حکم شرعی است می شود حال با این مبنی می توان اخبار ثقه واحد از وثاقت راوی را هم در این موضوع داخل دانست و آن را در واقع اخبار از حکم شرعی بدانیم پس این دو مورد بالا در واقع اخبار از حکم هستند و نمی توانند که اخبار از موضوع باشند.

این مبنی را حضرت آیت الله جزائری در درسشان در بحث حجیت قول لغوی پذیرفته اند.

در نهایت نتیجه می گیریم: که این مطلب نمی تواند دلیل قرار بگیرد بر حجیت خبر واحد در موضوعات.

## استدلال به سیره متشرعه

در روایاتی که در احکام وارد می شوند این مطلب زیاد به چشم می خورد که راوی یا امام خبر از موضوعی بدهد یا اینکه مطلبی غیر از حکم شرعی بیان کند درباره موضوعی، سیره متشرعه در این روایات تفصیل قائل نمی شوند بین حکم امام و اخبار از موضوع بلکه روایت را در تمام مدلول خود حجیت می دانند.

---

<sup>۵۵</sup> حقائق الأصول ج ۲ ص ۹۸.

**اشکال:** سیره متشرعه یک دلیل لبی است لذا اطلاقی ندارد که بتوان با تمسک به آن این حکم را تسری داد به تمام موضوعات لذا فقط می توان به قدر متیقن آن عمل کرد که آن موضوعاتی هستند که در روایت هایی ذکر می شوند که مقصود اصلی بیان احکام است.

## نتیجه گیری

برای اثبات قاعده حیت خبر واحد در موضوعات ابتدا به آیات استدلال شده است که با بررسی آیه نبا و آیات شهادت دلیل بر این قاعده ثابت نشد زیرا مفهوم وصف در آیه نبا قابل استناد نیست چون حجیت ندارد در مرحله بعد تمسک به روایات است که به دو دسته موافق با قاعده و مخالف تقسیم می شوند و روایات موافق بعضا از جهت سند صحیح و از جهت دلالت قاعده را تایید می کنند اما روایات مخالف ظهور دارند در ابواب مختلف و نمی توان قاعده کلی از آن ها برداشت کرد . ولی بسیار مناسب است که منشا برای حکم به احتیاط باشد. در مرحله بعد قوی ترین استدلال بر این قاعده سیره عقلا است که حتی روایات مخالف توان مقابله و ردع آن را ندارند زیرا روایات مخالف یا ضعیف السند هستند یا اختصاص به موضوعات خاص دارند و همینطور بنا علما . در نهایت این نتیجه را می توان برداشت کرد که خبر واحد در موضوعات حجت است .

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- ۱- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.
- ۲- مشکینی اردبیلی، علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها - قم، چاپ: ششم، ۱۳۷۴ ش.
- ۳- صدر، محمد باقر، دروس فی علم الأصول؛ الحلقة الثالثة (طبع مجمع الفكر) - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۳ ق.
- ۴- نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۵- مظفر، محمد رضا، أصول الفقه (طبع انتشارات اسلامی) - قم، چاپ: پنجم، ۱۴۳۰ ق.
- ۶- ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۹ ش.
- ۷- ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۸- سبزواری، عبدالاعلی، تهذیب الاصول، فیض، علی رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۲۲۲ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه ص ۸۱۷ - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۹ ش.
- ۹- قلی زاده، احمد، واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۰- بحرانی، محمد سند، سند العروة الوثقی - کتاب الطهارة ج ۱، ۵ جلد، انتشارات صحفی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق
- ۱۱- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه (ط - الحدیث)، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ هـ ق
- ۱۲- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق

۱۳- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۱۰، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

۱۴- البیهقی السنن

۱۵- منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام، الفقه - فقه الرضا، در یک جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد - ایران، اول، ۱۴۰۶ هـ ق

۱۶- نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ هـ ق

۱۷- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ ق

۱۸- محمدی، علی، شرح اصول فقه - قم، چاپ: دهم، ۱۳۸۷ ش.

۱۹- سبحانی تبریزی، جعفر، المحصول فی علم الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

۲۰- صدر، شهید، سید محمد باقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ۴ جلد، مجمع الشهد آیه الله الصدر العلمی، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق

۲۱- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق

۲۲- قمی، ابن قولویه، ابو القاسم، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، در یک جلد، دار المرتضویة، نجف اشرف - عراق، اول، ۱۳۹۸ هـ ق

۲۳- انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول - قم، چاپ: پنجم، ۱۴۱۶ ق.

۲۴- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، رجال العلامة - خلاصة الأقوال، در یک جلد، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف اشرف - عراق، دوم، ۱۳۸۱ هـ ق



- ۲۵- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، الوجیزه فی الرجال، در یک جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران - ایران، اول، ۱۴۲۰ هـ ق
- ۲۶- بروجردی، سید مهدی بحر العلوم، الفوائد الرجالیة (للسید بحر العلوم)، ۴ جلد، مکتبه الصادق، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۵ هـ ق
- ۲۷- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (الاجتهاد و التقليد) - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۸- خرازی، محسن، عمده الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۲۹- شیرازی، ناصر مکارم، القواعد الفقهیة (لمکارم)، ۲ جلد، مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، قم - ایران، سوم، ۱۴۱۱ هـ ق
- ۳۰- حائری، سید کاظم حسینی، القضاء فی الفقه الإسلامی، در یک جلد، مجمع اندیشه اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق
- ۳۱- حکیم، محسن، حقائق الأصول - قم، چاپ: پنجم، ۱۴۰۸ ق.